

اثربخشی کلاس‌های آموزش خانواده در انطباق‌پذیری مسیر شغلی

دانش‌آموزان دبیرستانی

Examined the role of family education classes in career adaptability of first year high school students

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۳/ ۲۲، تاریخ دریافت نسخه نهایی: ۱۳۹۴/۱۰/۲۱، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۴/۳۰

N. Pordelan., (Ph.D Student), A. Karimyan.,
(Ph.D Student), Z. Heydari., (MA) & S.
hosseinian., (Ph.D)

نوشین پردلان^۱، عدالت کریمیان^۲، زینب حیدری^۳ و سیمین
حسینیان^۴

Abstract: The present study was aimed to examine effectiveness of family training classes in career adaptability of first grade high school students. The research method was quasi-experimental with pretest-posttest and control group. Independent variable is family training and dependent variable is career adaptability. The study population consisted of all first grade high school girl students of Saqez city in 2012-2013 academic years. At first a school was selected by random sampling and then 30 students and their mothers were selected by using simple random sampling and were randomly assigned to two experimental and control groups. Experimental group for 7 sessions (1.20 hour) received family training in each week and it took 1.5 months for experimental group. Data was collect by Yousefi's Adaptability Career Scale (2011). To illustrate the difference between groups, the mean and standard deviation of experimental and control groups were calculated and multivariate regression analysis was used for data analysis. The results showed that with regard to pre-test scores as variable diffraction (help)interventions have led to significant difference between experimental and control groups ($P=0.001$). This means that family training classes had impact on improvement of career adaptability (curiosity and trust, concern).

چکیده: هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر کلاس‌های آموزش خانواده در انطباق‌پذیری مسیر شغلی دانش‌آموزان سال اول دبیرستان بود. روش پژوهش حاضر یک مطالعه تجربی با پیش-آزمون و پس‌آزمون در دو گروه کنترل و آزمایش است. متغیر مستقل آموزش خانواده و متغیر وابسته انطباق‌پذیری مسیر شغلی است. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر سال اول دبیرستان شهرستان سقز در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ بودند. ابتدا به روش نمونه‌گیری تصادفی یک مدرسه انتخاب و سپس ۳۰ نفر از دانش‌آموزان و مادران آن‌ها با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. گروه آزمایش به مدت ۷ جلسه (۱/۲۰) ساعته آموزش خانواده را دریافت کردند که هر هفته ۱ جلسه ۲ ساعته و حدود یک ماه و نیم آموزش گروه آزمایش طول کشید. گردآوری داده‌ها به کمک آزمون انطباق‌پذیری مسیر شغلی یوسفی (۱۳۹۰) صورت گرفت. برای نشان دادن تفاوت گروه‌ها، ابتدا میانگین و انحراف معیار گروه‌های آزمایش و گروه محاسبه شد و سپس از تحلیل کواریانس چندمتغیره برای تحلیل نهایی داده‌ها استفاده شد. نتایج نشان داد با در نظر گرفتن نمرات پیش‌آزمون به‌عنوان متغیر هم‌پراش (کمکی)، مداخلات به تفاوت معنادار بین گروه آزمایش و کنترل منجر شده است ($P=0/001$). یعنی کلاس‌های آموزش خانواده بر بهبود ابعاد انطباق‌پذیری شغلی (کنجکاوی و اعتماد، دغدغه) تاثیر داشته است.

Keywords: family training, career adaptability, adolescents

کلید واژه‌ها: آموزش خانواده، انطباق‌پذیری مسیر شغلی، نوجوانان

nooshinpordelan@gmail.com

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مشاوره شغلی دانشگاه اصفهان.

۲. دانشجو دکتری مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی تهران

۳. کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی دانشگاه امام خمینی قزوین

۴. استاد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهرا

مقدمه

بدون شک والدین بر رفتار فرزندان خود تاثیر دارند (شکوهی‌یکتا و پرند، ۱۳۸۷). محیط خانواده اولین محیطی است که الگوهای جسمی، عاطفی و شخصیتی فرد در آن پی‌ریزی می‌شود و نقش مهمی در تعالی و پیشرفت فرد دارد. وظیفه خانواده مراقبت از فرزندان و تربیت آن‌ها، برقراری ارتباط سالم اعضا با هم و کمک به استقلال فرزندان است (معتمدین، ۱۳۸۳). ارتباطات اولیه در بطن خانواده و اثرات بعدی آن روی جهت‌گیری مسیر شغلی است و نوع ارتباط، سبک‌های والدینی بر سلسله مراتب نیازها و ارتباط آن با سبک‌های زندگی بعدی دوران بزرگ سالی مرتبط است (رو، ۱۹۵۶؛ ترجمه یوسفی و عابدی، ۱۳۹۰).

شرایط ارتباط بین کودک و والد نیروی مولد اصلی نیازها، رغبت‌ها و نگرش‌هاست که بعداً در انتخاب شغل منعکس می‌شود (زونکر^۱، ۲۰۰۶، ترجمه یوسفی و همکاران، ۱۳۹۰). به‌نظر "رو" (۱۳۵۶) ترکیبی از ارتباطات اولیه والد-کودک، تجارب محیطی و جنبه‌های ژنتیکی رشد ساختار نیاز را تعیین می‌نماید. سپس افراد می‌آموزند که نیازهای رشد یافته را در وهله اول از طریق تعامل با دیگران و یا فعالیت‌های مستقلانه ارضا کنند (زونکر، ۲۰۰۶؛ ترجمه یوسفی و عابدی، ۱۳۹۰). نقش اولیا در یادگیری فرزندان حائز اهمیت است و جلسه‌های گروهی با والدین می‌تواند آن‌ها را تشویق نماید تا از برنامه‌های شغلی فرزندان خود حمایت کنند، خودپنداره آنان را تشویق نمایند و آن‌ها را درک نموده و برای آنان سرمشق باشند، به آنان در کشف فرصت‌های شغلی کمک کنند و از طریق تلاش‌های جمعی اعضای خانواده خود تشویق به ادامه مسیر گردند (مک رایتر و همکاران، ۲۰۰۴؛ به‌نقل از زونکر، ۲۰۰۶؛ ترجمه یوسفی و همکاران، ۱۳۹۰) اهمیت مراقبت دلسوزانه و مهربانی را نمی‌توان دست کم گرفت (زونکر، ۲۰۰۶).

انطباق‌پذیری مسیر شغلی^۲ به‌نظر مائورین و مردیت (۲۰۰۵؛ به‌نقل از سمیعی، باغبان، عابدی و حسینیان، ۱۳۹۰) یک سازه ذهنی، روانی اجتماعی است که نشانگر آمادگی و منابع فرد برای مقابله با وظایف رشد شغلی فعلی و قریب‌الوقوع، گذارهای حرفه ای و ضربه‌های روانی فردی است. همزمان با ارتباط افراد و جامعه، انطباق‌پذیری، بسط خود در محیط اجتماعی و تنظیم رفتار نسبت به وظایف رشدی را شکل می‌دهد. وظایف رشدی از طریق محیط اجتماعی و گذارهای پیش رو در نقش‌های شغلی تعیین می‌گردد. راهبردهای خود تنظیمی و انطباق‌پذیری مسیر شغلی افراد را قادر می‌کند تا به طور موثر خویشتن‌پنداره‌ی خود را در نقش‌های شغلی به کار گیرند و به این ترتیب زندگی کاری‌شان را خلق کنند و مسیرهای شغلی‌شان را بسازند. در

1. Zvnkr

2 . Career adaptability

نظریه‌ی ساختار مسیر شغلی، افراد انطباق‌پذیر این‌گونه تعریف می‌شوند؛ برای آینده‌خویش دغدغه دارند، کنترل شخصی روی آینده شغلی‌شان را افزایش می‌دهند، با کشف گزینه‌های ممکن و برنامه‌های آینده، کنجکاوی نشان می‌دهند، اعتماد به دنبال کردن آرزوها را تقویت می‌نمایند.

انطباق‌پذیری مسیر شغلی دارای ابعادی است که عبارت‌اند از: دغدغه، کنترل، کنجکاوی و اعتماد. این چهار بعد نشانگر منابع عمومی انطباق‌پذیری و راهبردهایی هستند که افراد برای مدیریت وظایف، گذارها و ضربه‌های روانی در حین ساخت دادن به مسیرهای شغلی‌شان استفاده می‌کنند. به این ترتیب انطباق‌پذیری مسیر شغلی در چهار حیطة دغدغه، کنترل، کنجکاوی و اعتماد افزایش می‌یابد. جدول ۱ خلاصه‌ی بحث‌ها است و اجازه می‌دهد تا این ابعاد با هم مقایسه شوند. ستون اول در جدول، شاخص مسیر شغلی است که جامعه افراد را به پرسیدنش وا می‌دارد. ستون دوم مشکلات مسیر شغلی، ناشی از پاسخ‌های منفی به این سوالات را نشان می‌دهد. ستون سوم بعد انطباق‌پذیری همراه با پاسخ‌های مثبت به سوالات را فهرست کرده و ستون بعدی گرایش‌ها، صلاحیت‌ها، رفتارهای مقابله‌ای و جهت‌گیری ارتباطی را ارائه می‌کند که هر بعد را ترکیب می‌کند. ستون آخر شکل مداخله برای رفع هر مشکل مسیر شغلی را نشان می‌دهد و تلاش دارد تا آن را به توانایی انطباق‌پذیری تبدیل نماید (پردلان، عابدی، باغبان، نیلفروشان، ۱۳۹۲).

جدول ۱. ابعاد انطباق‌پذیری مسیر شغلی (سمیعی و همکاران، ۱۳۹۰)

سوال مسیر شغلی	مشکل مسیر شغلی	ابعاد انطباق‌پذیری	نگرش‌ها و باورها	صلاحیت	رفتارهای مقابله‌ای	دیدگاه ارتباطی	مداخله‌مسیر شغلی
آینده من چه خواهد شد؟	بی تفاوتی	دغدغه	طرح‌مندی ریزی	طرح-ریزی	آگاهی، مشارکت آمادگی	وابستگی	تمرین جهت‌گیری
آینده من متعلق به کیست؟	بی تصمیمی	کنترل	مصمم بودن	تصمیم‌گیری	جراتمندی، نظم، اراده	استقلال	آموزش تصمیم‌گیری
با آینده‌ام می‌خواهم چه کار کنم؟	غیر واقع بینی	کنجکاوی	فزون‌پرسی	کشف	تجربه،ریسک کردن، جستجو	ارتباط متقابل	فعالیت‌های-جستجوی اطلاعات
آیا می‌توانم کاری را که می‌و اهم انجام دهم؟	باز داری	اعتماد	ثمربخشی	حل‌مساله	سماجت، تلاش، سخت-کوشی	برابری	ایجاد عزت نفس

اثر بخشی کلاس‌های آموزش خانواده در انطباق‌پذیری مسیر شغلی ...

دغدغه مسیر شغلی، دغدغه فرد در خصوص آینده شغلی‌اش اولین و مهم‌ترین بعد انطباق‌پذیری مسیر شغلی است. عملکرد اصلی دغدغه مسیر شغلی جهت‌گیری به سمت آینده و حس است که فرد را برای فردا آماده می‌سازد. این حس او را مجبور می‌کند تا به انجام وظایف و تکالیف رشدی خود در مسیر شغلی‌اش بپردازد. دغدغه مسیر شغلی برخاسته از نقشه‌ای زندگی است که در طول رشد به فرد محول شده است. از آنجایی که افراد نقشه‌ای متفاوت دارند؛ دغدغه‌های همزمان و متفاوت هم می‌توانند داشته باشند (براون و لنت، ۲۰۰۵؛ به نقل از پردلان، ۱۳۹۲).

فقدان دغدغه مسیر شغلی، بی‌تفاوتی مسیر شغلی نامیده می‌شود و بی‌برنامگی و بدبینی درباره آینده را منعکس می‌کند. کنترل مسیر شغلی، کنترل روی آینده شغلی دومین و مهم‌ترین بعد در انطباق‌پذیری مسیر شغلی است و با عواملی هم‌چون تصمیم‌گیری، جراتمندی، محل کنترل، قدرت، خودمختاری، اسنادهای تلاش و پویایی (بلوستاین و فلام، ۱۹۹۹؛ به نقل از سمیعی و همکاران، ۱۳۹۰) همراه است. کنترل مسیر شغلی به معنای آن است که افراد احساس کنند و معتقد باشند که مسئول ساختن مسیرهای شغلی خویش هستند. در حالی که آن‌ها ممکن است با اشخاص مهم دیگر مشورت کنند. خودشان مالک مسیرهای شغلی‌شان هستند. فقدان کنترل مسیر شغلی اغلب بی‌تصمیمی مسیر شغلی نامیده می‌شود. ناتوانی برای انتخاب می‌تواند از طریق مداخلات مسیر شغلی که برای تقویت نگرش مصمم طراحی شده و صلاحیت‌های تصمیم‌گیری تقویت شود. کنجکاوای مسیر شغلی همراه با حس کنترل، ابتکار و علاقه به یادگیری درباره انواع کار و جستجو درباره کشف هماهنگی و تناسب بین خود و دنیای کار می‌انجامد. محصول کنجکاوای مسیر شغلی، مجموعه‌ای از دانش و اطلاعات است که منجر به انتخاب کردن‌هایی می‌شود که فرد با محیط خود متناسب است. کنجکاوای فرد را از بی‌اطلاعی به دانایی هدایت می‌کند. افراد کنجکاو مرتب در پی تجربه کردن چیزهای جدید هستند و سعی دارند توانایی‌ها، مهارت‌ها و ارزش‌های خود را در محیط پیرامون بیازمایند (سمیعی و همکاران، ۱۳۹۰). فقدان کنجکاوای شغلی می‌تواند به ساده‌لوحی در مورد دنیای کار و پندارهای غلط از خود منجر شود. اعتماد مسیر شغلی، چهارمین و آخرین بعد انطباق‌پذیری شغلی اعتماد است. در نظریه‌ی ساختار مسیر شغلی، اعتماد حاکی از احساس خود کار آمدی در ارتباط با توانایی فرد برای اجرای موفقیت آمیز دوره‌ای از فعالیت است. اعتماد مسیر شغلی از حل مشکلاتی نشأت می‌گیرد که حین فعالیت‌های روزمره افراد با آن روبرو می‌شوند. مانند کارهای منزل، تکالیف مدرسه و سرگرمی‌ها. علاوه بر این تشخیص مفید واقع شدن در این وظایف احساس پذیرش خود و خود ارزشی را افزایش می‌دهد. تجارب اکتشافی گسترده اعتماد به تلاش بیشتر را تقویت می‌نماید.

افرادی که مورد مراقبت‌های زیادی قرار گرفته‌اند و یا از برخی تجارب اجتناب کرده‌اند (مانند علوم و ریاضی) اعتماد به انجام چنین فعالیت‌هایی را از دست می‌دهند و طبیعتاً کمتر به حرفه‌هایی علاقمندند که به چنین مهارت‌هایی نیاز دارد. باورهای غلط درباره نقش‌های اجتماعی، جنسیت و قومیت اغلب موجب مرزهای بیرونی و درونی می‌شوند که مانع توسعه اعتماد می‌شوند. فقدان اعتماد شغلی می‌تواند به بازداری مسیر شغلی منجر شود که در آن فرد به انجام فعالیت‌هایی که احساس می‌کند از عهده‌اش بر نمی‌آید نمی‌پردازد (براون و لنت، ۲۰۰۵؛ به نقل از سمیعی و همکاران، ۱۳۹۰). تمرکز اولیه متون تجربی در مورد انطباق‌پذیری دانش‌آموزان بر تاثیر پویایی‌های خانواده بوده است (مانند لوپز، کامپبل، و تکینز^۱، ۱۹۸۹). نظریه دل بستگی (آنی ورث^۲، ۱۹۸۹؛ به نقل از لوزو^۳، ۲۰۰۶) برای توضیح ماهیت تسهیلی حمایتی و نزدیک ارتباطات والدین استفاده شده است. یافته‌ها مطرح نمودند که بزرگسالانی که دلبستگی ایمن به والدینشان دارند راحت‌تر قادرند فرایند تفرد و سازگاری با شرایط جدید، نظیر محیط دانشکده را طی کنند (گروتوند و کوپر^۴، ۱۹۸۵).

در پژوهش مورین^۵ (۲۰۰۸؛ به نقل از دیتریک و کرک^۶، ۲۰۰۹) که بر روی ۳۲۲ دانش‌آموز دبیرستانی انجام داد مشخص شد که حمایت خانواده، معلمان، دوستان صمیمی و همسالان، بر ابعاد انطباق‌پذیری مسیر شغلی تاثیر دارد. و حمایت خانوادگی به‌عنوان یک عامل مهم در ادراک دانش‌آموزان از محدودیت‌های آموزشی و انتظارات موفقیت شغلی مشخص شده است (گارسا-کول، مایر، و بریلون^۷، ۱۹۹۵؛ کنی^۸ و بلدسو^۹، ۲۰۰۵). در پژوهش یوول^{۱۰} (۱۹۹۹) دانش‌آموزان دبیرستانی، اعضای خانواده خود را منبع اولیه اطلاعات و انتظارات شغلی معرفی نمودند. و خود کارآمدی مسیر شغلی با پیش بینی اشتغال آینده رابطه مثبت دارد (کوپن^{۱۱}، کله^{۱۲}، آنه لیس^{۱۳}، وینن^{۱۴}، زیگ^{۱۵}، ناتا^{۱۶}، ۲۰۱۰). در پژوهش کرید^{۱۷}، فالون^{۱۸} و هود^{۱۹} (۲۰۰۹) نتایج نشان دادند که

1. Lopez, Compbell & Watkins
2. Ainsworth
3. Luzzo
4. Grotevant & Cooper
5. Morin
6. Ditrach & Kracke
7. Garcia-Coll, Meyer & Brillon
8. Kenny
9. Bledsoe
10. Yowell
11. Klehe
12. Annelies
13. Vianen
14. Zikic

اثر بخشی کلاس‌های آموزش خانواده در انطباق‌پذیری مسیر شغلی ...

متغیرهای انطباق‌پذیری مسیر شغلی با هم ارتباط درونی دارند و می‌تواند به‌وسیله یک عامل بالاتر توجیه شود. تصمیم‌گیری و اکتشاف مسیر شغلی با دغدغه‌های مسیر شغلی همبستگی منفی دارند. تصمیم‌گیری مسیر شغلی ارتباط بین جهت‌یابی و دغدغه‌های شغلی را تعدیل می‌کند. داشتن بیش از یک روش یادگیری همبستگی زیادی با تصمیم‌گیری مسیر شغلی و اندکی با دغدغه‌های مسیر شغلی دارد.

در پژوهش هرسچی^۵ (۲۰۰۹) مشخص شده که حمایت اجتماعی ادراک شده، وضع عاطفی مثبت، پیشینه مهاجرت و ادامه تحصیلات شغلی پیش‌بینی‌کننده‌های معنی‌داری از انطباق‌پذیری مسیر شغلی در دوران دبیرستان است. همچنین انطباق‌پذیری مسیر شغلی حس قدرت و تجربه زندگی رضایت‌بخش را افزایش می‌دهد. و تعدادی از پژوهش‌های طولی نشان دادند که انطباق‌پذیری بالاتر در مولفه‌های تصمیم‌گیری، طرح‌ریزی، کاوش و باورهای خودکارآمدی باعث موفقیت و تسلط در گذارهای شغلی می‌شود (کرد، مولر و پا تون، ۲۰۰۳؛ جرمیس و رجچارن، ۲۰۰۷؛ ناونچاوند و گرت، ۲۰۰۸؛ پاتون، کرد و مولر، ۲۰۰۲؛ به‌نقل از هرسچی، ۲۰۰۹). هم-چنین بعضی پژوهشگران نشان دادند تصمیم‌گیری مسیر شغلی، باورهای خودکارآمدی و ویژگی‌های شخصیتی یا رفتار و دلبستگی والدینی پیش‌بینی‌کننده انطباق‌پذیری مسیر شغلی‌اند (بار تلی و رابتچک^۶، ۲۰۰۳؛ بتز، کلین، وی تن^۷، ۱۹۹۷؛ کرک^۸، ۲۰۰۲).

والدین برای ایفای صحیح مسئولیت‌های خویش از سویی و از سوی دیگر غلبه بر احساسات منفی خویش باید اطلاعات و شناخت لازم و جامعی در مورد فرزند خویش داشته باشند و بدانند چه رفتاری با فرزند خود در جهت تعلیم و تربیت او داشته باشند، در این شرایط والدین سخت به مشاوره و راهنمایی مسولان متعهد و دلسوز، دوستان آگاه و آشنا و فهیم نیاز دارند. شفیع آبادی (۱۳۸۶) بیان می‌کند آموزش گروهی والدین نوعی از تعلیم و تربیت گروهی است که آموزش وسیعی را شامل می‌گردد و به والدین کمک می‌کند تا دانش و توانایی‌های خود را در زمینه پرورش و تربیت کودکان به نحو مطلوب گسترش دهند. در چنین موقعیت‌هایی برنامه‌های آموزش زندگی خانوادگی می‌تواند به والدین بیاموزد که چگونه با ارایه الگوی مناسب، نقش

1. Nauta
2. Creed
3. Fallon
4. Hood
5. Hirschi
6. Bartley & Robitschek
7. Betz & Klein Voyten
8. Kracke

مثبت‌تری را برای فرزندان‌شان ایفا کنند و سبک‌های سالم زندگی را خود بیاموزند و به کودکان‌شان منتقل کنند. برگزاری کلاس‌های آموزش خانواده می‌تواند سطح آگاهی و پذیرش والدین را نسبت به انطباق‌پذیری فرزندان‌شان افزایش دهد، می‌تواند احساسات و واکنش‌هایی را که اغلب والدین از خود بروز می‌دهند، برای آنان روشن سازد و با آموزش راهکارها، از تنش موجود بین خانواده بکاهد، تعامل بهینه بین والد و فرزند را افزایش داده و تأثیر به‌سزایی بر سلامت خانواده داشته باشد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند بین سرمایه اجتماعی خانواده و مولفه‌های آن با کاهش خشونت خانگی (ملکی و نژاد سبزی، ۱۳۸۹)، رابطه وجود دارد و عامل اصلی سرمایه اجتماعی اعتماد و همکاری میان اعضای خانواده به‌خصوص پدر و مادر است. هم‌چنین همبستگی خانوادگی و استقلال عاطفی و جنسیت (سامانی و رضویه، ۱۳۸۵)، سبک تربیتی والدین و وضعیت اجتماعی اقتصادی (فراهانی، ۱۳۸۵) بر سلامت روان فرزندان تأثیر می‌گذارد. نوع رفتار والدین با فرزندان پیش‌بینی‌کننده رفتار آتی آنان (جان و کاترین^۱، ۱۹۹۳)، است. هم‌چنین در مطالعه طولی پترسون^۲، کامپس^۳، بروک سکان^۴، ستملر^۵ و همکاران (۱۹۹۳) افسردگی نوجوانان تا حد زیادی به نوع ارتباط بین اعضای خانواده و نوع نزدیکی عاطفی مرتبط بوده و رابطه دختر و مادر از عوامل پیش‌بینی‌کننده وجود یا عدم وجود افسردگی در نوجوانان دختر است. در تحقیق محمدی کاجی و کامکار (۱۳۸۸) که با استفاده از اطلاعات طولی به بررسی تأثیر عوامل زمینه ای (سن، جنس، تحصیلات والدین و وضعیت تحصیلی) بر پیگیری آمال و آرزوهای تحصیلی و شغلی (جهت‌یابی مسیرهای تحصیلی و شغلی) در طول دوره انتقالی از اواسط نوجوانی به اوایل جوانی پرداخته شده بود، نتایج تحقیق نشان داد که پیشرفت تحصیلی در ابتدای مقطع تحصیلی دبیرستان، تنها متغیری است که به طور ثابت نشان‌دهنده آرزوهای تحصیلی و مسیر تحصیلی در اوایل جوانی است. بین متغیرهای سن، جنس و تحصیلات والدین از نظر آماری با آمال و آرزوهای تحصیلی و شغلی تفاوت معناداری دیده نشد. به‌طور کل، نتایج به‌دست آمده نشان داد که مداخله زود هنگام به‌منظور اصلاح آمال و آرزوها در جهت بنا نهادن بهترین اهداف بینا نه و گسترش برنامه شغلی مناسب به عنوان ابزاری در جهت تسهیل درک افراد از تمامی توانایی‌های خود، موثر است. هم‌چنین بین سبک‌های هویت و حمایت اجتماعی والدین رابطه معناداری وجود دارد. از نظر تفاوت‌های جنسیتی مشخص شد که دانش آموزان دختر نسبت به دانش آموزان پسر

-
1. John & Cathrine
 2. Paterson
 3. Cempas
 4. Brookscunn
 5. Stemmler

اثر بخشی کلاس‌های آموزش خانواده در انطباق‌پذیری مسیر شغلی ...

از حمایت اجتماعی بیشتر والدین برخوردارند و اکثر آن‌ها دارای هویت پیش‌رس هستند (سیاح سیاری، حسین‌شاهی، رنج‌گر، ۱۳۸۹).

بشارت، عزیز، حسینی (۱۳۸۸)؛ شریفی درآمدی، نیک‌نام، گیوه‌چی (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان رابطه کمال‌گرایی والدین با سبک‌های فرزندپروری نشان دادند که ابعاد کمال‌گرایی با سبک‌های فرزندپروری رابطه دارد و آن را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد والدین کمال‌گرا ممکن است آرزوها و آرمان‌هایی را که خود نتوانسته‌اند به آن برسند، برای فرزندان خود به‌کار ببرند و رفتارهای آنان را به‌صورت انتقادی ارزیابی کنند.

در زمینه آموزش والدین تحقیقات متعددی شده از جمله این‌که آموزش زندگی خانوادگی^۱ (FLE) می‌تواند باعث کاهش افسردگی و انزوای اجتماعی و بهبود صلاحیت مادران دارای فرزندان مشکل‌دار شود (شهرکی‌پور، کریم‌زاده، کرامتی، ۱۳۸۸). تحقیق صالحی (۱۳۸۵) حاکی از اثر بخشی آموزش والدین با رویکرد آدلری^۲ بر سبک‌های مقابله‌ای مادران کودکان دارای اختلال سلوک بود و کاهش نشانه‌های اختلال سلوک با ۹۵ درصد اطمینان تأیید شده است. همچنین آموزش منظم به والدین در سطح ($p < 0,05$) بر روابط متقابل و خرده‌مقیاس‌های روابط خانوادگی، انطباق‌پذیری و همبستگی خانواده و پیشرفت تحصیلی فرزندان تاثیر مثبت دارد (شماعی‌زاده، احمدی، ۱۳۸۷). پژوهش اسدی (۱۳۷۹) نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین آموزش خانواده و ارتقای آگاهی‌ها و دانسته‌های تربیتی والدین، بهبود راهنمایی تحصیلی، هدایت دینی و اخلاقی فرزندان و شیوه‌های مناسب روابط خانوادگی وجود دارد. در پژوهش تهرانی دوست، شهریور، محمودی قرانی، علاقه‌بندراد (۱۳۸۷)، هوش‌ور، به‌نیا، خوشابی، میرزایی، رهگذر (۱۳۸۸)، زرگری‌نژاد و یکه‌یزدان‌دوست (۱۳۸۵)، معتمدی، عطاری، سیاوش، شکیبایی، ازهر و همکاران (۱۳۸۶) مشخص شد که آموزش تربیت‌سازنده به والدین باعث کاهش مشکلات رفتاری آنان می‌شود. و ادراک دانش‌آموزان از خانواده به‌عنوان صمیمی و حمایت‌کننده، پیش‌بینی‌کننده تمامی جنبه‌های خودپنداره در دانش‌آموزان دبیرستانی است (یوسفی، ۱۳۸۶). در پژوهش حمیدیف غلامعلی، کیامنش، رسول‌زاده طباطبایی (۱۳۸۸) مشخص شد که کاربرد خانواده درمانی سیستمی به‌همراه درمانگری حمایتی منجر به بهبود ساخت خانواده دختران فراری و عملکرد آنان می‌گردد. در پژوهش شکوهی یکتا و پرند (۱۳۸۷) مشخص شده که آموزش گروهی حل مساله به مادران باعث مشارکت عاطفی فرزندان و بهبود مشارکت آنان در خانواده می‌شود. انسجام خانواده، پیش‌بینی‌کننده مثبت اهداف تسلط رویکردی، عملکرد رویکردی و پیش‌بینی

1. Family Life Education

2. Adler

کننده منفی عملکرد اجتنابی بود (زارع و سامانی، ۱۳۸۷). هم‌چنین در تحقیق احمد پور داریانی، یداللهی فارسی، سمیع‌زاده (۱۳۸۸) مشخص شد که ارتباطات خانوادگی، منابع خانوادگی و بینش مشترک خانودگی بر ایجاد و کار خانگی موثر است. و ارتباط مناسب والدین با فرزندان، همدردی در مورد مشکلات، تبادل نظر در مورد مسائل اجتماعی و تحصیلی و کنترل و نظارت بر وضعیت آن‌ها منجر به ایجاد احساس خود کارآمدی در دانشجویان و انگیزه بیشتر برای کسب موفقیت‌های بعدی در تحصیل می‌شود (مظاهری، صادقی، حیدری، ۱۳۹۰). و مداخلات آموزشی روانی گروهی می‌تواند کارایی خانواده را بهبود بخشد (مجردکاهانی و هاشم‌آبادی، ۱۳۹۰). در تحلیل کواریانس پژوهش طالعی، طهماسبیان، وفایی (۱۳۹۰) مشخص شد که آموزش برنامه‌ریزی فرزندپروری توانسته از طریق تقویت رفتارهای مثبت فرزندان به وسیله مادر، الگوسازی والدگری مناسب، تلفیق سطح دانش و توانایی مادران، ایجاد تعاملات موثر والد-فرزند و فراهم آوردن حمایت اجتماعی، سطح خود اثرمندی والدینی مادران را ارتقاء بخشد. عملکرد خانواده به همراه معنویت و خرده مقیاس‌های آن با تعهد سازمانی به‌ویژه تعهد سازمانی عاطفی رابطه معنی‌داری دارد (کریمی ثانی و احیایی، ۱۳۹۰). پالمر^۱ (۱۹۷۶) پس از ۴ هفته آموزش والدین دریافت که تفاوت معناداری در بلوغ مسیر شغلی نوجوانان گروه آزمایش به‌وجود آمده است. گرینوگ^۲ (۱۹۷۶) یک برنامه راهنمایی طولی برای والدین دانش‌آموزان سال سوم دبیرستانی طراحی کرد که هدفش آگاهی از علایق و راهنمایی‌های والدینی در فرایند طرح‌ریزی شغلی بود. نتایج پس از ۵ سال نشان داد که نشان دانش‌آموزانی که والدینشان تحت مشاوره قرار گرفته بودند ۹۰٪ شانس بیشتری برای تکمیل دوره‌های آموزشی پس از دبیرستان را داشته و در حال حاضر از شغل فعلی خود رضایت بیشتری داشتند. لی^۳ (۱۹۷۶) طی کارگاهی که برای آگاه ساختن اولیای دوم و سوم دبیرستان در مورد انتخاب فعالیت هدفمند شغلی فرزندانشان گذاشته بود، دریافت که ۱۲ نفر از ۱۸ نفر والد شرکت‌کننده بعد از کارگاه به‌طور جدی به طرح‌ریزی مسیر شغلی فرزندانشان فکر کرده بودند و تقریباً همه آن‌ها در مورد مسیر شغلی فرزندانشان با آن‌ها به گفتگو نشسته بودند. پالمر و کوکران^۴ (۱۹۸۸) به بررسی تاثیر برنامه‌ای برای والدین در کمک به طرح‌ریزی شغلی فرزندانشان پرداختند. آن‌ها با استفاده از روش تجربی پیش‌آزمون - پس‌آزمون ۲۰ خانواده را به‌عنوان گروه آزمایش و ۲۰ خانواده را به عنوان گروه کنترل انتخاب کردند. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره بر پنج بعد مرتبط با رشد مسیر شغلی نشان داد که مداخله تاثیر

-
1. Palmer
 2. Gernnough
 3. Iea
 4. Palmer & Cochran

اثربخشی کلاس‌های آموزش خانواده در انطباق‌پذیری مسیر شغلی ...

معنی داری بر گروه آزمایش داشته است همچنین برای معناداری تفاوت با والدین ۶ نوجوان هم مصاحبه شد. داده‌های مصاحبه نیز از درجات بهبود نوجوانان در یافته‌های کمی حمایت نمود. شروین، رضایی و صدرپوشان (۲۰۱۲) در تحقیق بر ۳۲۱ کارمند و کارکن اصفهانی دریافتند که تفاوت در شیوه‌های فرزندپروری به تفاوت افراد در حوزه‌های کنجکاوی، دغدغه و اعتماد مسیر شغلی منجر می‌شود اما با کنترل مسیر شغلی ارتباطی ندارد. همچنین یافته‌های ایشان نشان داد که افراد با شیوه‌های فرزندپروری آسان‌گیر دغدغه، اعتماد و کنجکاوی مسیر شغلی کمتری نسبت به سایر شیوه‌های فرزندپروری دارند. تمامی این پژوهش‌ها نشانگر اهمیت تاثیر خانواده و نقش آن در آینده شغلی فرزندان است با توجه به فقدان پژوهشی در زمینه نقش خانواده‌ها و آموزش آنان در انطباق‌پذیری شغلی دانش‌آموزان، این پژوهش به بررسی نقش کلاس‌های آموزش خانواده در انطباق‌پذیری دانش‌آموزان سال اول دبیرستان می‌پردازد. نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند مورد استفاده مشاوران، روانشناسان و متخصصان تعلیم و تربیت قرار بگیرد تا در جهت برنامه‌ریزی برای آینده آنان گام بردارند. از سوی دیگر این پژوهش می‌تواند توجه والدین را به مسائل شغلی نوجوانان و آینده شغل آنان جلب کند و شناخت لازم را به آن‌ها بدهد تا سعی کنند به آن‌ها در این سن حساس کمک نموده و حمایت لازم را به آن‌ها بنمایند و از فواید آن خود و جامعه را بهره‌مند سازند.

فرضیه تحقیق عبارت‌اند از :

- کلاس‌های آموزش خانواده به والدین دانش‌آموزان مقطع اول متوسطه انطباق‌پذیری مسیر شغلی آنان را بهبود می‌بخشد.

روش پژوهش

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری و شیوه اجرا

پژوهش حاضر از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل است برای اجرای این طرح از میان ۱۵۰ دانش‌آموز پایه اول دبیرستان ۳۰ نفر از مادران آنان که همگی بی‌سواد یا دارای تحصیل ابتدایی اندکی بودند به صورت تصادفی انتخاب و در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند.

کلیه والدین دانش‌آموزان سال اول متوسطه شهرستان سقز در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ جامعه آماری تحقیق را تشکیل می‌دهند. پس از تعیین تصادفی گروه آزمایش و گواه در یک جلسه به صورت همزمان پرسش‌نامه‌ها در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت. بعد از یک هفته برای گروه آزمایش جلسات آموزشی تعیین شد. برنامه آموزشی با استفاده از روش کارگاهی، سخنرانی،

پرسش و پاسخ و ارائه توسط محقق برای مادران گروه آزمایش اجرا گردید. گروه کنترل پس از پیش‌آزمون در این مدت هیچ‌گونه مداخله‌ای دریافت نمی‌کردند دو هفته پس از اتمام دوره آموزشی با دعوت از فرزندان آن‌ها و گروه کنترل پرسش‌نامه‌ها مجدداً در اختیار آنان قرار گرفت. متغیر مستقل در این تحقیق کلاس‌های آموزش والدین بود و طی هفت جلسه در یک ماه و نیم تابستان به ترتیب زیر اجرا گردیده است: جلسه اول: معرفی اعضا به یکدیگر، بیان قوانین گروه و جلسات، بیان فرایند بلوغ و مسائل نوجوانی و ایجاد دغدغه در مورد آینده شغلی فرزندان، جلسه دوم: بیان نقش روابط نوجوانان با خانواده و دوستان و نقش مهم والدین در آینده شغلی فرزندان و آموزش والدین برای افزایش قدرت تصمیم‌گیری در آنان، جلسه سوم، نقش خود کارآمدی و تشویق کنجکاوی فرزندان برای جستجو و بیان مشاغل دلخواه خود به والدین، جلسه چهارم: برانگیختن کنجکاوی و دغدغه فرزندان برای آینده شغلی و تعیین رشته برای سال آتی، جلسه پنجم، پرورش عزت نفس و تاکید بر منبع کنترل درونی، جلسه ششم، آموزش روش تصمیم‌گیری و حل مساله، جلسه هفتم جمع‌بندی و تکرار

ابزار پژوهش

- پرسش‌نامه انطباق‌پذیری مسیر شغلی: در این پژوهش از پرسشنامه انطباق‌پذیری مسیر شغلی ساخته یوسفی (۱۳۹۰) با اندکی تغییر برای مطابقت با دانش‌آموزان استفاده شد که یک پرسش‌نامه ۴۰ سوالی است و بر مبنای نظریه ساختارگرایی شغلی ساویکاس (۲۰۰۳) ساخته شده است. پرسش‌نامه در مقیاس لیکرت نمره‌گذاری شده یعنی برای کاملاً موافقم، ۵ و برای کاملاً مخالفم، ۱ در نظر گرفته شده است. برای تعیین روایی و پایایی آزمون از آلفای کرونباخ و تصنیف و بازآزمایی استفاده شده که به شرح جدول ۲ است:

جدول ۲. تعیین روایی و پایایی پرسش‌نامه انطباق‌پذیری مسیر شغلی

همسانی درونی	دغدغه	کنترل	کنجکاوی	اعتتماد	کل
آلفای کرونباخ	۰/۷۲	۰/۶۴	۰/۵۵	۰/۹۰	۰/۸۸
تصنیف	۰/۶۲	۰/۷۰	۰/۵۸	۰/۸۸	۰/۷۴
ضریب باز آزمایی	۰/۷۷	۰/۸۱	۰/۷۸	۰/۷۷	۰/۷۶

یافته‌های پژوهش

برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. در سطح توصیفی از آماره‌هایی نظیر فراوانی، میانگین، انحراف معیار و واریانس و در سطح آمار استنباطی از تحلیل کورایانس چندمتغیره استفاده گردید.

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی نمره‌های آزمودنی‌های گروه آزمایش و کنترل

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	گروه		
۴/۷۱۲۷۰	۵۲/۷۳۳۳	۱۵	آزمایش	دغدغه	پیش‌آزمون
۵/۱۲۵۱۰	۵۰/۸۶۶۷	۱۵	کنترل		
۴/۹۲۹۸۵	۵۱/۸۰۰۰	۳۰	کل		
۲/۳۵۶۳۵	۲۱/۱۳۳۳	۱۵	آزمایش	کنجکاو	
۲/۱۹۷۴۰	۲۰/۴۰۰۰	۱۵	کنترل		
۲/۲۶۹۴۹	۲۰/۷۶۶۷	۳۰	کل		
۹/۰۰۷۹۳	۴۶/۰۰۰۰	۱۵	آزمایش	اعتماد	
۱۰/۲۳۰۶۷	۴۶/۶۶۶۷	۱۵	کنترل		
۹/۴۷۷۱۴	۴۶/۳۳۳۳	۳۰	کل		
۳/۹۶۴۱۲	۱۴/۰۰۰۰	۱۵	آزمایش	کنترل	
۲/۳۵۶۳۵	۱۳/۸۶۶۷	۱۵	کنترل		
۳/۲۰۴۸۱	۱۳/۹۳۳۳	۳۰	کل		
۴/۵۵۴۴۳	۵۲/۸۰۰۰	۱۵	آزمایش	دغدغه	پس‌آزمون
۳/۶۴۲۳۴	۵۰/۸۶۶۷	۱۵	کنترل		
۴/۱۶۹۵۴	۵۱/۸۳۳۳	۳۰	کل		
۲/۳۵۰۲۸	۲۱/۳۳۳۳	۱۵	آزمایش	کنجکاو	
۲/۴۰۴۳۶	۲۰/۰۶۶۷	۱۵	کنترل		
۲/۴۲۳۳۱	۲۰/۷۰۰۰	۳۰	کل		
۸/۲۱۰۳۳	۴۸/۸۶۶۷	۱۵	آزمایش	اعتماد	
۱۰/۲۰۴۱۱	۴۷/۴۶۶۷	۱۵	کنترل		
۹/۱۲۷۷۶	۴۸/۱۶۶۷	۳۰	کل		
۴/۱۷۱۳۳	۱۷/۴۰۰۰	۱۵	آزمایش	کنترل	
۳/۴۷۷۸۲	۱۷/۶۶۶۷	۱۵	کنترل		
۳/۷۷۵۹۱	۱۷/۵۳۳۳	۳۰	کل		

همان‌طور که در جدول ۱ دیده می‌شود میانگین و انحراف استاندارد دو خرده‌مقیاس اعتماد و کنترل در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون تغییر قابل ملاحظه‌ای داشته اما در دو خرده‌مقیاس دیگر (کنجکاوی و دغدغه) تغییر چشمگیری رخ نداده است. برای بررسی معناداری و یا عدم معناداری این تغییرات از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد.

جدول ۴. نتیجه آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره (مانوا) در گروه آزمایش

نام آزمون	مقدار	F	فرضیه df	خطای df	سطح معنی داری
لامبدای ویلکز	/۷۲۷	۱/۷۷۷	۴/۰۰۰	۲۱/۰۰۰	/۱۷۱

همان‌طور که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود مقدار لامبدای ویلکز بالاتر از ۱۴٪ است. می‌توان از مانوا استفاده نمود. و با کنترل پیش‌آزمون، سطح معناداری آزمون بیانگر آن هست؛ که بین انطباق‌پذیری گروه‌های آزمایش و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد. برای پی بردن به تفاوت، نتایج حاصل از تحلیل مانوا در زیر ارائه شده است:

جدول ۵. نتایج تحلیل مانوا در رابطه با تاثیر آموزش خانواده بر انطباق‌پذیری مسیر شغلی

شاخص منبع تغییرات	شاخص منابع آماری	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معناداری	ضرایب eta	توان
پیش‌آزمون	دغدغه	۳۵۴/۲۶۷	۱	۳۵۴/۲۶۷	۱۱۱/۳۶۵	/۰۰۰	/۸۲۳	۱/۰۰۰
	کنجکاوی	۱۱۶/۴۳۶	۱	۱۱۶/۴۳۶	۷۹/۲۲۴	/۰۰۰	/۷۶۷	۱/۰۰۰
	اعتماد	۱۵۴۲/۹۲۲	۱	۱۵۴۲/۹۲۲	۲۱۶/۱۸۵	/۰۰۰	/۹۰۰	۱/۰۰۰
	کنترل	۱۹۳/۱۲۹	۱	۱۹۳/۱۲۹	۵۸/۹۲۹	/۰۰۰	/۷۱۱	۱/۰۰۰
عضویت گروهی	دغدغه	۱/۸۰۲	۱	۱/۸۰۲	/۵۶۶	/۴۵۹	/۰۲۳	/۱۱۲
	کنجکاوی	۳/۸۳۸	۱	۳/۸۳۸	۲/۶۱۲	/۰۱۹	/۳۹۸	/۳۴۲
	اعتماد	۳۴/۳۸۹	۱	۳۴/۳۸۹	۴/۸۱۸	/۰۳۸	/۱۶۷	/۵۵۸
	کنترل	/۳۴۲	۱	/۳۴۲	/۱۰۴	/۷۵۰	/۰۰۴	/۰۶۱

همان‌طور که در جدول ۵ نشان داده شد، با در نظر گرفتن نمرات پیش‌آزمون به‌عنوان متغیرهای کمکی نتایج زیر حاصل می‌شود:

اثر بخشی کلاس‌های آموزش خانواده در انطباق‌پذیری مسیر شغلی ...

چنان‌که ملاحظه می‌کنید تفاوت بین میانگین نمرات پس‌آزمون در هر چهار خرده‌آزمون در دو گروه آزمایش و کنترل معنادار است ($p < 0/05$). تفاوت بین نمرات دو گروه، بیان‌کننده این مطلب است که آموزش خانواده بر خرده‌آزمون‌های دغدغه، کنجکاوی، اعتماد و کنترل موثر بوده است و با در نظر گرفتن مجذور اتا، می‌توان گفت ۸۲، ۷۶، ۹۰ و ۷۱ درصد این تغییرات ناشی از تاثیر آموزش خانواده است. توان آماری ۱ نشان می‌دهد که حجم نمونه برای بررسی این فرضیه مناسب بوده است.

نتایج نشان داد تفاوت بین میانگین نمرات دو گروه در پس‌آزمون ۲ و ۳ (کنجکاوی و اعتماد و دغدغه) در دو گروه آزمایش و کنترل معنادار است.

بحث و نتیجه‌گیری

خانواده اولین پایه‌گذار شخصیت، ارزش‌ها و معیارهای فکری فرزندان است. کنش‌های متقابل میان والدین و فرزندان اساس رشد کودک تلقی می‌گردد و این کنش در تمام مراحل عمر وی، خود را نشان می‌دهد (مومنی و امیری، ۲۰۰۸، به نقل از شهرکی‌پور، کریم‌زاده و کرامتی، ۱۳۹۰). از جمله مراحل بسیار مهم، دوره نوجوانی است که مرحله استرس‌آوری برای والدین و نوجوانان است و تاثیرات والدینی در طی کردن نرمال این مرحله بسیار حائز اهمیت است (اکرودیدویو، ۲۰۱۰؛ دریسکولو، رزلی، سورکتر، ۲۰۰۸). به‌طور کلی آماده‌سازی نوجوانان برای مشاغل آتی یکی از وظایف رشدی در دوران نوجوانی است (اریکسون، ۱۹۶۸؛ سوپر، ۱۹۹۰؛ به نقل از هرسیچی، ۲۰۰۹) و همه کشورهای دنیا به اهمیت کمک به نوجوانان برای آماده‌سازی شغلی پی برده‌اند (هرسیچی، ۲۰۰۹). به‌ویژه در مطالعات با دانش‌آموزان دبیرستانی انطباق‌پذیری مسیر شغلی علامت پیشرفت در بزرگسالی است که به‌طور مستقیم با رشد نوجوانان رابطه مثبتی دارد (گوری، کادیش، و اسلتین، ۲۰۰۳). یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها به شرح زیر است: براساس یافته‌های جدول ۳، سطح معناداری مشاهده شده در سطح $P < 0/05$ برای خرده-آزمون کنجکاوی و اعتماد و دغدغه معنادار است. ضریب اتا نشان می‌دهد ۳۹ و ۱۶ و ۲۳ درصد تغییرات در واریانس نمرات پس‌آزمون ناشی از آموزش خانواده و ارتقاء آگاهی‌ها و دانسته‌های آنان بوده است. این نتیجه با نتایج پژوهش شمعی‌زاده (۱۳۸۷) مبنی بر رابطه معنادار بین

1. Okrodudu
2. Driscoll
3. Russelly
4. Crockettz
5. Gore, Kadish, & Aseltine

آموزش منظم به والدین، و انطباق‌پذیری و همبستگی و پیشرفت تحصیلی، حمیدی (۱۳۸۸) مبنی بر بهبود عملکرد دختران، یوسفی (۱۳۸۶) بهبود تمامی جنبه‌های خودپنداره، احمدپور داریانی و همکاران (۱۳۸۸) مبنی بر نقش خانواده در کار خانگی، مظاهری و همکاران (۱۳۹۰) مبنی بر ایجاد احساس خودکارآمدی و موفقیت‌های بعدی زندگی، طالعی و همکاران (۱۳۹۰) مبنی بر نقش آموزش خانواده در تقویت رفتارهای مثبت آنان و افزایش خودآزمندی، با پژوهش محمدی و کامکار (۱۳۸۸) مبنی مداخله زود هنگام به منظور اصلاح آمال و آرزوها در جهت بنا نهادن بهترین اهداف بینانه و گسترش برنامه شغلی مناسب به عنوان ابزاری در جهت تسهیل درک افراد از تمامی توانایی‌های خود، سیاح سیاری و همکاران (۱۳۸۹)، بشارت و همکاران (۱۳۸۸)، شریفی و همکاران (۱۳۹۰) مبنی بر رابطه کمال‌گرایی والدین با سبک‌های فرزندپروری همسو است. همچنین با پژوهش مورین (۲۰۰۸)، به نقل از دیتیچ و کلارک، (۲۰۰۹) مبنی بر نقش حمایتی خانواده، معلمان، دوستان صمیمی و همسالان، بر ابعاد انطباق‌پذیری و حمایت خانوادگی به عنوان یک عامل مهم در ادراک دانش‌آموزان از محدودیت‌های آموزشی و انتظارات موفقیت شغلی مشخص شده است (گارسا-کول، مایر، و بریلون، ۱۹۹۵؛ کنی و همکاران، ۲۰۰۲) و پژوهش یوول (۱۹۹۹) که دانش‌آموزان دبیرستانی اعضای خانواده خود را منبع اولیه اطلاعات و انتظارات شغلی معرفی نمودند. و نیز با پژوهش هرسچی (۲۰۰۹) مبنی بر حمایت اجتماعی ادراک شده، وضع عاطفی مثبت، پیشینه مهاجرت و ادامه تحصیلات شغلی پیش‌بینی‌کننده‌های معنی‌داری از انطباق‌پذیری مسیر شغلی در دوران دبیرستان است و تصمیم‌گیری مسیر شغلی، باورهای خودکارآمدی و ویژگی‌های شخصیتی یا رفتار و دل بستگی والدینی پیش‌بینی‌کننده انطباق‌پذیری مسیر شغلی‌اند (بارتلی و رابتچک، ۲۰۰۳؛ بتز و کلین وی تن، ۱۹۹۷؛ کرک، ۲۰۰۲)، پالم (۱۹۸۶) مبنی بر آموزش والدین دریافت در بلوغ مسیر شغلی نوجوانان، گرینوگ (۱۹۷۶) مبنی بر تاثیر برنامه راهنمایی طولی برای والدین دانش‌آموزان سال سوم دبیرستانی، لی^۱ (۱۹۷۶) مبنی بر تاثیر برنامه‌های کارگاهی برای آگاه ساختن اولیای دوم و سوم دبیرستان در مورد انتخاب فعالیت هدفمند شغلی فرزندانشان، پالم و کوکران (۱۹۸۸) در مورد تاثیر برنامه‌ای برای والدین در کمک به طرح‌ریزی شغلی فرزندانشان همسو است.

در تبیین این نتیجه به نظر می‌رسد که اطلاع والدین از تاثیرات خود در آینده فرزندان به خصوص در انتخاب رشته سال آتی سبب می‌شود که در رفتارهای خود تجدیدنظر کرده و شیوه‌های صحیحی را در برخورد با آنان در پیش بگیرند، بیشتر آنان را درک نمود و به پرورش عزت‌نفس آن‌ها اهمیت بدهند، و با درایت به برخورد با نوجوان خود بپردازند. آگاهی از

1. lea

اثر بخشی کلاس‌های آموزش خانواده در انطباق‌پذیری مسیر شغلی ...

ویژگی‌های نوجوانی زمینه را برای انعطاف‌پذیری و درک متقابل فراهم می‌کند و همزمان با بهبود ارتباطات و ایجاد احساس نزدیکی زمینه برای پذیرش و برنامه‌ریزی برای گذرهای آتی نوجوان فراهم می‌شود. برای آموزش والدین به منظور ایجاد این رابطه موثر ابتدا باید این احساس را در آن‌ها قوت بخشید که آن‌ها بر مسیر شغلی فرزندانشان تاثیر گذارند و می‌توانند انطباق‌پذیری مسیر شغلی را در فرزندان خود افزایش دهند. انتظار می‌رود با برگزاری برنامه‌های آموزشی برای والدین در زمینه انطباق‌پذیری مسیر شغلی، بتوان ابعاد چهارگانه انطباق‌پذیری مسیر شغلی را که شامل (دغدغه، کنترل، اعتماد، کنجکاوی، است در فرزندان افزایش داد و موثر واقع شد.

در پژوهش حاضر سعی شد تا والدین از تاثیر عمیقی که بر مسیر شغلی فرزندانشان دارند آگاه شوند سپس با دریافت آموزش و تکالیفی در این زمینه دریافتند که چگونه می‌توانند بر چهار بعد مذکور تاثیر بگذارند. بازخوردهای والدین حاکی از آن بود که فرزندانشان بیشتر از پیش نسبت به آینده توجه دارند، از افزایش قدرت تصمیم‌گیری خود لذت برده و استقبال می‌کنند، نسبت به خود و مشاغل اطرافشان کنجکاو تر شدند و بیشتر سعی می‌کنند تا مسائل و مشکلات مربوط به خودشان را شخصا حل و فصل کنند که همه این‌ها نشانه‌دهنده آن است که نه تنها می‌توان انتظار داشت که با آموزش مسیر شغلی والدین، انطباق‌پذیری مسیر شغلی کودکان را افزایش داد بلکه می‌توان ادعا کرد یکی از اصلی‌ترین راه‌های پرورش افرادی با سطح انطباق‌پذیری بالا وجود والدینی آگاه و توانمند در این زمینه است. لذا پیشنهاد می‌شود این رویکرد توسط مشاوران و روانشناسان مورد استفاده قرار گیرد. دانش‌آموزان مورد مطالعه در این تحقیق دختر و سال اول دبیرستان و مادران آنان بودند. لذا در تعمیم نتایج به دانش‌آموزان پسر و نیز سایر دانش‌آموزان دارای تحصیلات راهنمایی و متوسطه و نیز نقش پدران در مداخله دارای محدودیت است. هم‌چنین تحقیق حاضر بر روی دانش‌آموزان شهر سقز انجام گرفته و ممکن است در تعمیم نتایج به دانش‌آموزان مناطق دیگر دارای محدودیت باشد. به‌علاوه مدرسه حاضر یکی از مدارس حاشیه‌ای شهر بوده و در تعمیم نتایج به مدارس بالا شهر و مناطق دیگر شهر دارای محدودیت است. لذا پیشنهاد می‌شود تحقیق بر دانش‌آموزان سطوح دیگر تحصیلی و نیز والدین باسواد نیز انجام گیرد. در نهایت تشکر و قدردانی خود را از همکاران محترم آموزش و پرورش که خالصانه در اجرای این تحقیق به ما یاری رسانند ابراز می‌داریم.

منابع

- احمدپور داریانی، محمود؛ یداللهی فارسی، جهانگیر؛ سمیع‌زاده، مهدی. (۱۳۸۸). نقش عوامل خانوادگی در شکل‌گیری و کارایی خانوادگی (مطالعه موردی: صنایع نفت و نساجی شهر تهران). فصلنامه خانواده‌پژوهی؛ ۳۳۱-۳۴۵، (۴)۵
- پردلان، نوشین؛ عابدی، محمدرضا؛ ایران، باغبان؛ نیلفروشان، پریسا. (۱۳۹۲). انطباق‌پذیری مسیر شغلی. دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، کارآفرینی و توسعه اقتصادی
- پردلان، نوشین؛ عابدی، محمدرضا؛ ایران، باغبان؛ نیلفروشان، پریسا. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین سبک‌های دبستگی و انطباق‌پذیری مسیر شغلی در دانشجویان دانشگاه اصفهان. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. رشته مشاوره و راهنمایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان.
- اسدی، شهرام. (۱۳۷۹). بررسی میزان تاثیر آموزش خانواده بر تغییر رفتار والدین نسبت به فرزندان خود در دوره راهنمایی شهرستان شهرضا. نشریه آموز، شماره ۸
- بشارت، محمدعلی؛ عزیز، کورش؛ حسینی، اسماء. (۱۳۸۸). رابطه کمال‌گرایی والدین با سبک‌های فرزندپروری. پژوهش در نظام‌های آموزشی. ۳۱-۹
- تهرانی دوست، مهدی؛ شهریور، زهرا؛ محمودی قرانی، جواد؛ علاقبندراد، جواد. (۱۳۸۸). تاثیر آموزش تربیت‌سازنده به والدین در کاهش مشکلات رفتاری کودکان. روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران؛ ۳۷۱-۳۷۸، (۴)۱۴
- حمیدی، فریده؛ غلامعلی، افروز؛ کیامنش، علیرضا؛ رسول‌زاده طباطبایی، کاظم. (۱۳۸۸). بررسی ساخت خانواده دختران فراری و اثربخشی خانواده درمانی درمانگری حمایتی در تغییر آن. مجله روانشناسی؛ ۱۱۵-۱۲۹، (۲)۳۰
- زارع، مریم؛ سامانی، سیامک. (۱۳۸۷). بررسی نقش انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده در هدف‌گرایی فرزندان. فصلنامه خانواده‌پژوهی؛ ۱۷-۳۷، (۱۳)۳
- زرگری‌نژاد، غزاله؛ یکه‌یزدان دوست، رخساره. (۱۳۸۶). اثربخشی آموزش والدین بر مشکلات رفتاری کودکان ADHD (مطالعه تک‌موردی). مطالعات روان‌شناختی؛ ۲۰-۴۹، (۲)۳
- سامانی، سیامک؛ رضویه، اصغر. (۱۳۸۵). رابطه همبستگی خانوادگی و استقلال عاطفی با مشکلات عاطفی. پژوهش در سلامت روان‌شناختی. ۳۰-۳۸، (۱)۱
- سمیعی، فاطمه؛ باغبان، ایران؛ عابدی، محمدرضا، حسینیان، سمین. (۱۳۹۰). نظریه‌های مشاوره مسیر شغلی. انتشارات جهاد دانشگاهی
- سیاح سیاری، نیم‌تاج؛ حسین شاهی، حمیدرضا؛ رنج‌گر، بایرام علی. (۱۳۸۹). رابطه بین هویت و حمایت اجتماعی والدین در میان نوجوانان. اندیشه و رفتار. ۶۸-۷۵، (۱۶)۴
- شریفی درآمدی، پرویز؛ نیک‌نام، ماندانا؛ گیوه‌چی، الناز. (۱۳۹۰). بررسی رابطه کمال‌گرایی مادران و دختران: پدیده انتقال بین‌نسلی. فصلنامه خانواده‌پژوهی؛ ۴۷۲-۴۹۲، (۲۸)۷

اثربخشی کلاس‌های آموزش خانواده در انطباق‌پذیری مسیر شغلی ...

شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۸۶). فنون تربیت کودک (راهنمای والدین، معلمان و مشاوران) تهران انتشارات چهره.

شکوهی یکتا، محسن؛ پرند، اکرم (۱۳۸۷). آموزش روش حل مسله با مادران و تاثیر آن بر روابط خانوادگی. فصلنامه خانواده‌پژوهی؛ ۴(۱۳)، ۲۸-۱۵.

شماعی‌زاده، پروین؛ احمدی، احمد (۱۳۸۷). تاثیر آموزش منظم به والدین بر روابط خانوادگی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان فلاورجان. دانش و پژوهش در علوم تربیتی. ۱۷ و ۱۸ (۱) ۱۸۶-۱۶۵

شهرکی‌پور، حسن؛ کریم‌زاده، صمد؛ کرامتی، مهین (۱۳۸۸). بررسی اثر آموزش زندگی خانوادگی در کاهش تنیدگی والدینی مادران دارای اختلال یادگیری و خواندن و نوشتن. اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی. ۴(۳۹) ۶۳-۴۷

صالحی، سارا. (۱۳۸۵). اثربخشی آموزش والدین با رویکرد آدلری بر سبک‌های مقابله‌ای مادران دارای اختلال سلوک. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

طالعی، علی؛ طهماسیان، کارینه؛ وفايي، نرگس (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش برنامه فرزندپروری مثبت بر خوداثرمندی والدینی مادران. فصلنامه خانواده‌پژوهی؛ ۷(۳) ۳۱۱-۳۲۳

فراهانی، محمدتقی. (۱۳۸۵). رابطه سلامت روانشناختی نوجوانان ۱۸-۱۵ ساله با سبک‌های تربیتی و وضعیت اجتماعی اقتصادی والدین. پژوهش در سلامت روانشناختی. ۱۱(۱) ۵۶-۴۸.

کریمی ثانی، پرویز؛ احیایی، کبری. (۱۳۹۰). رابطه بین عملکرد خانواده، معنویت و تعهد سازمانی در بین کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر. روان‌شناسی اجتماعی؛ ۱۱(۱) ۲۶-۱۵

مجرد کاهانی، امیرحسین؛ قنبری هاشم آبادی، بهرام علی. (۱۳۹۰). ارزیابی اثربخشی مداخلات آموزشی روانی گروهی بر عملکرد خانواده بیماران مبتلا به اختلالات خلقی. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده؛ ۱(۳) ۴۱۲-۳۹۹

محمدی کاجی، مهدی؛ کامکاری، کامبیز. (۱۳۸۸). بررسی تاثیر عوامل زمینه‌ای (سن، جنس، تحصیلات والدین، و وضعیت تحصیلی فرد) بر پیگیری آمال و آرزوهای تحصیلی و شغلی (جهت‌یابی مسیرهای تحصیلی و شغلی) دانش‌آموزان کانادایی در مقطع دبیرستان و پس از آن. پژوهش‌های مشاوره (تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره)؛ ۸(۲۹) ۹۹-۱۲۰.

مظاهری، علی؛ صادقی، منصوره‌السادات؛ حیدری، محمود. (۱۳۹۰). بررسی رابطه رفتارهای متفاوت ارتباطی-نظارتی والدین در وضعیت‌های مختلف تحصیلی و اجتماعی فرزندان دانشجو. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۷(۲۵) ۵۴-۳۵

معمودی، مسعود؛ عطاری، عباس؛ سیاوش، منصور؛ شکیبایی، فرشته؛ ازهر، محمد مسعود؛ جعفری هرندي، رضا. (۱۳۸۶). بررسی اثر مشاوره و آموزش والدین بر میزان کورتیزول بزاقی و علایم رفتاری در کودکان و نوجوانان مبتلا به اختلال رفتار تخریبی. دانشگاه علوم پزشکی اراک؛ ۱۰(۴) ۷-۱

- معتمدین، مریم. (۱۳۸۳). تاثیر آموزش راهبردهای مقابله با باورهای غیرمنطقی بر این باورها و رضایت زناشویی زوجها. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز
- ملکی، امیر؛ نژاد سبزی، پروانه. (۱۳۸۹). رابطه مولفه‌های سرمایه اجتماعی خانواده با خشونت خانگی علیه زنان در شهر خرم آباد. مسائل اجتماعی ایران، ۱(۲)، ۴۱-۲۱
- ورنون، زونکر. (۱۳۹۰). مشاوره مسیر شغلی با رویکرد کل نگر، ترجمه یوسفی، زهرا؛ عابدی، محمدرضا. اصفهان؛ انتشارات جهاد دانشگاهی
- هوشور، پارسا؛ به نیا، فاطمه؛ خوشابی، کتایون؛ میرزایی، هوشنگ؛ رهگذر، مهدی. (۱۳۸۸). تاثیر آموزش گروهی والدین کودکان ۴-۱۰ ساله مبتلا به نقصان توجه-بیش فعالی بر اختلالات رفتاری فرزندانشان. مجله توان بخشی؛ ۱۰(۳)، ۳۱-۲۴
- یوسفی زهرا. (۱۳۹۰). بررسی روابط عوامل فردی و موقعیتی با خودکارآمدی و انطباق پذیری مسیر شغلی در بین دانشجویان سراسری شهر اصفهان. پایان نامه دکتری رشته مشاوره شغلی. دانشگاه اصفهان
- یوسفی، زهرا. (۱۳۸۶). ارتباط سبک فرزندپروری والدین با مهارت‌های اجتماعی و جنبه‌هایی از خودپنداره دانش‌آموزان دبیرستانی. دانشور؛ ۱۴(۲۲)، ۴۷-۳۷

- Bartley, D. F., & Robitschek, C. (2000). Career exploration: A multivariate analysis of predictors. *Journal Vocational Behavior*, 56, 63-81.
- Betz, N. E., & Klein Voyten, K. (1997). Efficacy and outcome expectations influence career exploration and decidedness. *Career Development Quarterly*, 46, 179-189.
- Creed, P.A., Fallon, T., Hood M (2009). The relationship between career adaptability, person and situation variables, and career concerns in young adults *Journal of Vocational Behavior* 74 (2009) 219-229
- Dietrich, J., Kracke, B. (2009). Career- specific parental behaviors in adolescent's development. *Journal of career assessment*. No 2, 198-217
- Driscoll A, Russelly S, Crockett L (2008). Parenting styles and youth well-being across immigrant generations. *Journal of Family Issues*, 29, 185-209.
- Garcia-Coll, C. J., Meyer, E. L., & Brillon, L. (1995). Ethnic and minority parenting. In M. H. Bornstein (Ed.), *Handbook of parenting, Volume 2: Biology and ecology of parenting* (pp. 189-209). Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Gore, S., Kadish, S., & Aseltine, R. H. Jr., (2003). Career centered high school education and post-high school career adaptation. *American Journal of Community Psychology*, 32, 77-88.
- Greenough, D. R. (1976). Parent counseling. A Guidance Function Education Information Research Center, Eric, doc
- Groevant, H.D., & Cooper, C.R. (1985). Pateen of interaction in family relationship and the development of identity and role-taking skill in adolescence. *Gild Development*, 56, 415-428

- Hirschi., A (2009). Career adaptability development in adolescence: Multiple predictors and effect on sense of power and life satisfaction *Journal of Vocational Behavior* 74 (2009) 145-155.
- Kenny, E. M., Bledsoe, M. (2005) Contributions of the relational context to career adaptability among urban adolescents. *Journal of Vocational Behavior* 66 (2005) 257-272
- Koenig, Klehe, U Annelies E.M, Vianen, V., Zikic, J., Nauta, a (2010). Job-search strategies and reemployment quality the impact of career adaptability. *Journal of Vocational Behavior* 77 (2010) 126-139
- Kracke, B. (2002). The role of personality, parents and peers in adolescent's career exploration. *Journal of Adolescence*, 25, 19-30.
- Lea, D, A. (1976). A personalized parent's workshop on vocational choice. *The vocational Guidance Quarterly*, 42: 143-148
- Lopez, F.G., Campbell, V.L., Witkins, C.E. (1989). Effect of marital conflict and family coalition patterns on college student adjustment. *Journal of college student Development*, 30, 46-52
- Luzzo, D. (2006). Career Counseling of College Student. *American psychological Associations*. 50-51
- Okrodudu G (2010). Influence of parenting styles on adolescent delinquency in Delta Central Senatorial District. *EDO Journal of Counseling*, 3, 58-69
- Palmer, S. (1976). Career exploration during childhood and adolescence. *Journal of applied psychology*, 84(3). 612-624
- Palmer, S; Cochran, L (1988). Parents as agents of career development. *Journal of Counseling Psychology*, Vol 35(1), 71-76.
- Petersen, A.C., Compas, B. E; Brookscunn, J. stemmler, M.; Ey, s.; & Grant, K.E. (1993). Depression in adolescence. *American psychologist*, 48, 155-168
- Shirvan, S., Rezaei, F & Sedrpoushan, N. (2012). An empirical investigation on the relationship between parenting styles and employees & quote; career adaptability. *Management Science Letters*, 2(8), 2747-2752
- Yowell, C. M. (2002). Dreams of the future: The pursuit of education and career possible selves among ninth grade Latino youth. *Applied Developmental Science*, 6.